



تاریخ انتشار: بیست و چهارم
اردیبهشت ماه یک هزار و
سیصد و نود و شش
سال اول-شماره دوم
ارتباط با ما:

Telegram.com/anjoman-feghh

seyedhamimirghorbani@gmail.com

دانشگاه صادر کننده مجوز: دانشگاه تهران
صاحب امتیاز: انجمن علمی فقه و مبانی حقوق
پردیس فارابی دانشگاه تهران
مدیر مسئول: هانیه نیازی
سر دبیر: سید حامی میرقربانی
زمینه انتشار: علمی
طراح و صفحه آرا: پارسا صادقی



سید حامی میرقربانی

سر مقاله

ای چشمه ی نور، انشعابات کو؟
ای خانه ات آباد، خرابات کو؟
در شهر نشانه ای ز تبلیغ تو نیست؟
ای عشق؛ ستاد انتخابات کو؟

انصافا و حقیقتا سخن گفتن از امامی که قطب عالم است و اوصافش را عین حکومت و منش علی(ع) می دانیم نه شعار علی؛ دشوار است و در این چند سطر محال! لیکن به وسع خود می گویم آنچه که باید بگوئیم و می نالیم از آنچه که باید بنالیم.
به ما گفته اند رمز ظهور در گناه نکردن ماست و نیک هم گفته اند؛ و به ما گفته اند انقلاب، رمز ظهور است و نیک هم گفته اند؛ اما آزادی و آزادی را نیک نگفته اند و نیک نسراییدند برایمان؛ آنجا که دل ها مخدوش، بصائر زائل و نطق ها کوفته می شود.
اما ما بنا را بر این گذاشته بودیم که آزاد باشیم و آزاد بمیریم و لااقل اگر دین نداریم آزاد مرد باشیم؛ به همین سبب مجدانه سعی داریم تا سخن ها بیاوریم و قلم ها نشکنیم و استصحاب را معنی کنیم. انتظار و اما انتظار...! بزرگی می گفت انتظار یک حالت قلبی و روحی است که از آماده شدن برای چیزی که در انتظارش هستی، بر می آید. پس هر قدر انتظار شدیدتر باشد، آماده شدن هم بیشتر می شود. آیا نمی بینی که وقتی مسافری داشته باشی که منتظر آمدنش هستی، هر چه زمان آمدنش نزدیکتر شود، آمادگی تو هم برای این امر بیشتر می شود. (مکیال المکارم، جلد ۲، صفحه ۱۵۲، باب ۸) و صحابه ای دیگر اینگونه بیان می کرد که انتظار به معنی اعتراض به وضع موجود است و اگر کسی منتظر است، به این معناست که از وضع موجود راضی نیست و در جهت بهتر شدن آن تلاش می کند. بنابراین، انتظار از یک سو انگیزه ای برای حرکت به سمت کمال است و از سوی دیگر نوعی امید به آینده ایجاد وضعیت را در ذهن فرد منتظر القا می کند. (علی شریعتی، تبیین مقاله ای از کتاب حسین ع وارث آدم ها)
گرچه سخن کوتاه بود؛ اما سخن از عشق زبان ها می خواست.

اربعین علی مرتضی

او منتظر است تا که ما برگردیم...

ماییم که در غیبت کبری ماندیم...



تحریم تنباکو - سید حامد احمدی

شاید از خود برسیم نقش فقها در هدایت مردم و نجات مملکت از آسیب های داخلی و خارجی به چه میزان است؟!
برای فهمیدن این سوال به تاریخ ایران مراجعه می کنیم تا به خوبی نتیجه ی تاثیر فقها در جامعه و مملکت را مشاهده کنیم.

چرا که بنا بر حدیثی از امام زمان (عج الله تعالی فرجه شریف) که می فرمایند:

وَأَمَّا الْحَوَادِثُ الْوَأَقَعَةُ فَأَرْجِعُوا فِيهَا إِلَى رِوَاةِ حَدِيثِنَا فَإِنَّهُمْ حَجَّتِي عَلَيْكُمْ وَ أَنَا حَجَّةُ اللَّهِ (و اما وقایعی که رخ خواهد داد و مسائل مستحدثه، پس در مورد آنها به راویان احادیث ما رجوع کنید که آنان حجت من بر شما و من حجت خداوند بر آنان هستم.)

حضرت مهدی(عج) فقهاء را به عنوان نواب عام خود بر مسلمانان قرار دادند، و در زمان غیبت حضرت باید از فقها پیروی کرد.

و اینک ما جرای فتوای تاریخی تحریم توتون و تنباکو از میرزای شیرازی را بررسی می کنیم تا بلکه به جواب سوال خود برسیم.

در سال ۱۲۶۹ هجری شمسی ناصرالدین شاه قاجار به تشویق وزیر مختار انگلیس اقدام به انعقاد قراردادی با فردی به نام تالبوت می کند که این قرارداد بعد ها به همین نام معروف شد.
مفاد این قرار داد این بود که:

امتیاز تجارت توتون و تنباکوی ایران به مدت ۵۰ سال به شرکت تالبوت (کمپانی رزی) اعطا می گردد و این شرکت سالانه مبلغ ۱۵ هزار پوند به همراه یک چهارم سود خالص خود را به شاه بپردازد .

یکی از مشکلات این قرارداد این است که تا پنجاه سال، هر سال ۱۵ هزار پوند به ایران بدهند اما این مسئله رعایت نشده که ارزش ۱۵ هزار پوند تا پنجاه سال بعد پایین تر خواهد آمد.

در آن سال ها یک پنجم مردم ایران به کار خرید، فروش و کشت توتون و تنباکو مشغول بودند (گفته شده ۲۰۰ هزار نفر مشغول به این فعالیت ها بودند) و سالانه ۴۳۵ تن، توتون و تنباکو به ترکیه، هند، افغانستان صادر می شد و با این شرایط اگر طرف انگلیسی قرارداد بخواهد فقط یک چهارم سود خالص خود را به ایران بدهد، در حق ایران اجحاف و ایران در دراز مدت متحمل ضرر و زیان می شود.

سود شرکت انگلیسی در این قرارداد سالانه ۵۰۰ هزار لیره (پوند) انگلیسی تخمین زده شده و این در حالی بود که این شرکت سالانه ۱۵۰ هزار لیره (مجموع یک چهارم سود و ۱۵ هزار پوند) به دولت ایران می پرداخت.

وقتی مردم ایران و مراجع تقلید از این قرارداد مطلع شدند شروع به اعتراض علیه این قرارداد کردند و از دولت خواستار لغو آن شدند و تعدادی از تاجران تنباکو به تحصن در حرم شاه عبدالعظیم پرداختند در این بین، روس ها نیز که در منطقه ساوجبلاغ به کشت تنباکو اشتغال داشتند به امتیاز فوق اعتراض کردند و آن را ناقص عهدنامه ترکمانچای خواندند و خواستار لغو آن یا عقد قرارداد مشابهی شدند. پس از آنکه شرکت رژی حدود ۲۰۰ هزار از اتباع دولت بریتانیا و مستعمرات آن را به عنوان کارکنان شرکت به ایران آورد و به شهرهای مختلف فرستاد، زنگ هشدار برای ایرانیان به صدا درآمد، چرا که با حضور آنها در حدود ۱۰۰ هزار مبلغ مسیحی وارد ایران شدند و ضمن بنای کلیسا در مناطق مختلف، دختران ایرانی را نیز به امور پرستاری در بیمارستان ها و بی حجابی واداشتند. در تهران و اکثر شهرها مراکز فساد برپا کردند و کافه هایی با انواع وسایل قمار و رقص های محلی و مشروبات الکلی پدید آوردند. علاوه بر این، انگلیسی ها هر جا که می رفتند، اسب، اسلحه و مزدور اسلحه به دست خود را نیز می بردند و این همان شیوه ای بود که انگلیسی ها در تصرف هند و ایجاد کمپانی هند شرقی و سپس حضور نظامی به بهانه حفظ امنیت این کمپانی و در نهایت مستعمره نمودن هند به کار گرفته بودند. از این رو اقدامات فوق، عالمان دینی را به دلیل

متزلزل شدن اساس دین و استقلال کشور توسط قدرت بیگانه و مغایرت امتیازات با قرآن مجید، مطابق قاعده نفی سیل در آیه ۱۴۱ سوره نساء که می فرماید:

”وَلَنْ يَجْعَلَ اللَّهُ لِلْكَافِرِينَ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ سَبِيلًا“
خداوند هرگز کافران را بر مؤمنان، تسلطی نداده است.

به تحریم تنباکو ترغیب نمود. در واقع دلیل اصلی مخالفت علما با این امتیاز، افزون بر جنبه تجاری آن و اختلال در نظام بازرگانی کشور، نگرانی از نفوذ تدریجی و سلطه کامل بیگانگان بر ایران بوده که از تجربه کمپانی هند شرقی ناشی می گردید.

میرزا حسن آشتیانی از علمای بزرگ تهران بارها با شاه و امین السلطان ملاقات و مضار امتیاز را گوشزد کرد، ولی آنان به این بهانه که امضای شاه معتبر و طرف مقابل نیز دولت انگلیس است به این اعتراض ها اهمیتی ندادند تا اینکه میرزای شیرازی حکم تحریم توتون و تنباکو را صادر کرد: بسم الله الرحمن الرحیم، الیوم استعمال تنباکو و توتون پای نحو کان در حکم محاربه با امام زمان علیه السلام است. سرانجام شاه برای اطمینان بیشتر در دستخطی

به امین السلطان لغو کامل امتیاز را اعلام کرد تا وی به آگاهی علما و مردم برساند. ولی مخالفان آرام نگرفتند و عزل امین السلطان که از نظر آنان حامی امتیاز بود و لغو تمام قراردادهایی که با خارجیان منعقد شده بود را خواستار شدند. بدین ترتیب در نتیجه لغو امتیاز تنباکو، حکم تحریم تنباکو نیز پس از ۵۵ روز از سوی علماء لغو شد.

با مرور تاریخ در می یابیم که دقت نظر مردم و مراجع و همچنین پیروی مردم از مراجع، موجب نجات کشور و اسلام از مهلکه های خطرناک شده است.

باشد که با عنایت حق تعالی، اسلام را با همه ابعادش در جهان گسترش دهیم.

هند به کار گرفته بودند. از این رو اقدامات فوق، عالمان دینی را به دلیل

بزرگترین جرم در قانون جزای اسلام ارتداد میباشد و مجازات آن از همه ی مجازات ها شدیدتر است. ارتداد بمعنای کفر ورزیدن پس از اسلام است. عده ای حکم ارتداد را خلاف قوانین حقوق بشر و آزادی های دینی تلقی میکنند اما مهم ترین مبنا برای مجازات حدی ارتداد روایات منقوله است که مورد اتفاق علمای اهل سنت و شیعه میباشد و نیز اجماع علما بالاتفاق بر این حکم می باشد. در این حکم نص قرآن در خصوص مجازات دنیوی حکمی را بیان نکرده است اما روایات حاکی از این حکم دارد.

شبهه ای که مخالفین وارد میکنند تعارض این حکم با آیه ی شریفه ی لا اکراه فی الدین هست که پاسخ به این شبهه به این گونه است : روایات منقوله و نیز اجماع فقهاء و هم چنین آیات قرآن کریم مبنی بر مجازات سنگین کسانی که از دین خارج می شوند دال بر این حکم می باشد. همچنین وجود غزوات پیامبر اکرم صلوات الله علیه و نیز سنت ایشان وجود مدرکی معتبر را ثابت میکند. مرتد بر دو قسم است : الف)مرتد فطری یعنی کسی که لااقل یکی از ابویین او در حین انعقاد نطفه مسلمان باشند و او پس از بلوغ اسلام را پذیرفته و سپس کافر شده باشد.ب)مرتد ملی کسی که هیچ یک از ابویین او در زمان انعقاد نطفه مسلمان نبودند و او پس از بلوغ ، اظهار اسلام نموده و سپس کافر شده باشد.

خداوند ما را از آلوده شدن به آنچه که مایه ی از بین رفتن دین است در پناه خود حفظ کند. پیامبر اکرم صلوات الله علیه فرمودند : ((من بدل دینه فاقتلوه)) هرکس دین خود را عوض کرد او را به قتل برسانید.اما این به قتل رساندن شرایطی دارد که ذیلا بررسی میشود :

در فقه آنچه که برای تحقق ارتداد شرط شده سه مورد میباشد که عبارت است از بلوغ و عقل و اختیار اما مصادیق این سه مورد متعدد هست.با توجه به شروط فوق ، ارتداد کودک و مجنون و مکره حکمی ندارد.همچنین شخص مست و ساهی و نیز کسی که در حال خواب و یا هرعنوان دیگر که قصد او را از بین برده باشد نیز فاقد این حکم میباشد.حضرت امام در تحریر الوسيله شخصی را که عصبانیت بر او غلبه دارد و بر خود مسلط نیست را از این حکم خارج کرده است.

کافر شدن یا به مجرد نیت است یا به بیان سخنان کفر آلود و یا ارتکاب عمل کفر آمیز .

با توجه به تقسیم مرتد به فطری و ملی احکامی که بر شخص مرتد بار میشود بدین شرح می باشد:

آنچه در فقه و حقوق اسلامی واقع هست این است که مرتد فطری اگر مرد باشد سه وضعیت پیدا میکند.اول اینکه بعنوان مجازات کشته میشود و توبه وی پذیرفته نمی شود.مجازات قتل برای مرتد فطری از حدود شرعیه میباشد که براساس روایات منقول مورد اتفاق عام و خاص میباشد. دومین وضعیت برای مردی که مرتد فطری شود این است که نکاح وی منفسخ میشود و زن او باید عده وفات نگه دارد، زیرا همانند میت تلقی میشود بنابراین اموال او پس از پرداخت دیونش به ورثه داده میشود اگر چه زنده و در قید حیات باشد.

اگر مرتد فطری زن باشد به قتل نمی رسد ؛ بلکه به حبس ابد محکوم می شود و در اوقات نماز به مقداری که حاکم مشخص می کند می بایست تنبیه شود و در حبس به سخت ترین کار ها وادار می شود و بدترین نوع غذا و لباس را به او می دهند تا آنکه توبه کند یا فوت کند و اما مرتد ملی را توبه می دهند و اگر توبه کند حد از او برداشته می شود در غیر این صورت کشته می شود و مهلت توبه دادن طبق روایت سه روز می باشد ولی قول اقوی این است که زمان مزبور مدتی است که در آن امید بازگشت وی به اسلام برود و پس از ناامید شدن از توبه کشته می شود.و مالکیت مرتد ملی نسبت به اموالش تنها پس از مرگ وی زایل میشود.

شرایط اثباتی ارتداد با شهادت دو مرد عادل و با اقرار ثابت می شود. و با شهادت زن ها اعم از اینکه جداگانه باشد یا بصورت ضمیمه پذیرفته نمی شود.

وضعیت جنون در حکم ارتداد :

اگر مرتد ملی بعد از ارتداد دیوانه شود تا زمانی که در حال جنون است کشته نمی شود زیرا کشتن وی مشروط بر خودداری او از توبه است درحالی که خودداری مجنون از توبه از نظر شرع موثر نیست و کالعدم است. ولی اگر مرتد فطری باشد کشته می شود خواه دیوانه باشد یا عاقل بماند.

نکته ی پایانی که قابل توجه هست این است که فرزند مرتد ملی قبل از ارتدادش در حکم مسلمان است پس اگر بالغ شد و کفر را انتخاب کرد توبه داده می شود چنانچه فرزند مرتد ملی توبه کند که همان است وگرنه به قتل می رسد.و همچنین است فرزند مرتد فطری قبل از ارتدادش در حکم مسلمان است پس اگر بالغ شد و کفر را اختیار کرد و همچنین فرزند مسلمان اگر بالغ شد و قبل از اظهار اسلام اختیار کفر کرد ظاهر آن است که حکم مرتد فطری بر آنها اجرا نمی شود بلکه هردو توبه داده می شوند وگرنه به قتل می رسند.

اگر مرتد ملی توبه کند و کسی که معتقد است او مهدور الدم است او را بکشد قصاص بر او اجرا می شود.اما در فقه امامیه اقوی عدم قصاص هست.البته دیه بر ذمه او جاری هست.

منابع

مستدرک الوسایل

تحریرالوسيله امام خمینی

ی جلد سوم

ترمینولوژی حقوق دکتر محمدجعفر جعفری لنگرودی

قواعد فقه استدلالی در شرح لمعه



ابوالقاسم فنایی (متولد ۱۳۳۸) پژوهشگر ایرانی حوزه دین و اخلاق و مدرس دانشگاه است.

فنایی دانش آموخته درس خارج فقه درحوزه علمیه قم، کارشناسی ارشد رشته الهیات و معارف اسلامی از دانشگاه قم و کارشناسی ارشد و دکترا در فلسفه اخلاق ازدانشگاه

شفیلد است. او دوره کارشناسی ارشد را با نگارش پایان نامه ای تحت عنوان ((فلسفه اخلاق در قرن بیستم اثر مری وارنوک))به راهنمایی احمد احمدی و مشاوره مصطفی ملکیان به پایان برد.

فنایی در آثار خود بر تقدم اخلاق بر فقه تأکید می کند. جلایی پور نیز در مقاله خود اینچنین می نویسد:

نسخه ای از کتاب ((اخلاق دین شناسی))دکتر ابوالقاسم فنایی را پیش از انتشار نزد یکی از برجسته ترین روشنفکران ایرانی بردم و گفتم به نظرم بهترین کتاب سال های اخیر در سنت ((روشنفکری دینی))است. با وجود آن که اهل اغراق و تملق نیست، بعد از خواندن کتاب گفت: به نظرم غنی ترین کتاب سنت روشنفکری دینی در تمام سال های پس از انقلاب است و خردپسندانه ترین الگوی دفاع از دین و نقد اخلاقی دین رسمی.

از مهمترین کتب دکتر فنایی می توان به موارد زیر اشاره کرد:

– **فلسفه اخلاق در قرن بیستم، مری وارنوک، ابوالقاسم فنایی (مترجم)، قم: بوستان کتاب قم، ۱۳۸۰**

– **دین در ترازوی اخلاق: نسبت میان اخلاق دینی و اخلاق سکولار، ابوالقاسم فنایی، تهران: انتشارات صراط، ۱۳۸۴**

– **اخلاق دین شناسی: پژوهشی در مبانی معرفتی و اخلاقی فقه، ابوالقاسم فنایی، تهران: نگاه معاصر، ۱۳۸۹**

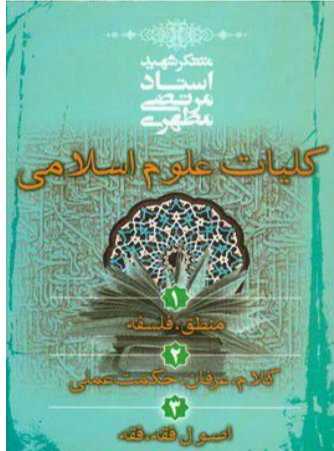
معرفی کتاب

کلیات علوم اسلامی

اثر استاد گرانقدر آیت الله شهید

مرتضی مطهری

انتشارات: صدرا



جلد اول از این مجموعه شامل دو بخش منطق و فلسفه، جلد دوم مشتمل بر سه بخش کلام، عرفان و حکمت عملی، و جلد سوم دربردارنده دو بخش اصول فقه و فقه است. ویژگی مهم این سلسله

مباحث این است که چون در اصل تقریرات درسهای استاد شهید برای دانشجویان سالهای اول دانشکده الهیات و معارف اسلامی دانشگاه تهران بوده، با بیانی روان و شیوا و قابل فهم برای مبتدیان نگارش یافته و برای افرادی که با اصطلاحات پیچیده علوم اسلامی آشنایی ندارند، درک و فهم آنها از طریق دسته بندی مطالب و شرح اصطلاحات، بسیار آسان گردیده است.

پیشنهاد می گردد دوستانی که در پی آشنایی و کسب معرفت علوم اسلامی هستند، از مطالعه این کتاب پر بار و روان اجتناب نفرمایند.

فصل دوم(نکات مواد ۱۱ تا ۲۲قانون مدنی) – بهرام بگتاشی

۱: مطابق ماده ۱۱ قانون مدنی، اموال به منقول و غیر منقول تقسیم می شوند که اموال مذکور در این ماده به صورت مطلق به کار رفته است و شامل هر نوع مالی اعم از منلی، قیمی، مادی، غیرمادی می شود.

۲: تنها مصداق غیر منقول ذاتی، زمین است. و با توجه به ماده ۱۲ قانون مدنی، ساختمان و هر آنچه ملصق به آن است از اموال غیر منقول به واسطه ی عمل انسان می باشد.

۳: آلات و ادوات کشاورزی با توجه به ماده ۱۷ قانون مدنی تنها از جهت صلاحیت محاکم و توفیق اموال، در حکم غیر منقول می باشند، به شرط آن

که ۱: مالک اشیاء و حیوانات و زمین یک نفر باشد.

۲:همچنین مالک آن را به زراعت و آبیاری اختصاص داده باشد(حکم این ماده استثنایی می باشد و نمی توان با قیاس حکم این ماده را به موارد مشابه سرایت داد).

۴: مطابق ماده ۱۵ قانون مدنی ثمره و حاصل مادام که چیده یا درو نشده باشند، غیر منقول به واسطه عمل انسان می باشد نه غیر منقول تبعی. زیرا مطابق ماده ۱۸ قانون مدنی تنها حقوق و دعاوی، غیر منقول تبعی محسوب می شوند.

۵: کلیه حقوق عینی بر روی اموال غیر منقول، غیر منقول تبعی محسوب

میشود.

۶: مطابق ماده ۲۰ قانون مدنی کلیه دیون در حکم منقول هستند ولی اجرت المثل استفاده از مال، تعهد به انتقال مال، تعهد به تسلیم مال، تعهد به جبران خسارات وارده بر مال؛ غیر منقول تبعی محسوب می شوند.

۷: منافع مال مورد انتفاع، ملک مبیح است نه مباح له. و مبیح تنها اجازه داده است که مباح له از منافع متعلق به او استفاده کند، پس اذن در انتفاع یا عقد موجد حق انتفاع با مالکیت منافع متفاوت است.

۸: حق انتفاع از مال منقول، در حکم منقول است و حق انتفاع از مال غیر منقول، غیر منقول تبعی است ولی حق ارتفاق همواره غیر منقول است.